بازگشت دوباره قاتل به سمت طناب دار

مردی که در جریان یک پرونده قتل موفق به جلب رضایت عده‌ای از اولیای دم شده بود بار دیگر به سن قانونی نفس‌هایش بار دیگر به شماره افتاد.

به گزارش جوان، رسیدگی به این پرونده از ۱۴ اسفندسال ۷۹ همزمان با کشف جسد مرد میانسالی حوالی تهرانسر از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی تهران آغاز شد.

آن روز مأموران پلیس جسد پتو پیچ شده مرد ناشناسی را زیر پلی کشف کردند که با ضربات متعدد چاقو به بدنش به قتل رسیده بود.

بررسی‌ها نشان داد مقتول در مکان دیگری در حالی که لباس خانگی به تن داشته به قتل رسیده و پس از آن عاملان قتل جسد او را به این مکان منتقل کرده‌اند.

مأموران پلیس در نخستین گام برای شناسایی مقتول پرونده افراد گمشده را بررسی کردند که مشخص شد یک روز بعد از حادثه زنی ناپدید شدن شوهرش را که شباهت زیادی به مقتول دارد به اداره پلیس اعلام کرده‌است. بدین ترتیب زن میانسال که بهاره نام دارد به پزشکی قانونی رفت و جسد شوهرش را شناسایی کرد.

وی گفت: من و فرزاد یک پسر و دو دختر بین ۱۰ تا ۱۷ ساله داریم. او روز چهاردهم برای انجام کاری از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت که روز بعد به اداره پلیس رفتیم و اعلام فقدانی کردیم. پس از شناسایی مقتول، مأموران پلیس دریافتند فرزاد معتاد به مواد مخدر بوده و به همین سبب چند سالی است با همسر و پسرش اختلاف داشته است. از سوی دیگر بررسی‌های فنی حکایت از این داشت مقتول در خانه‌اش به قتل رسیده‌است. مأموران پلیس احتمال دادند وی از سوی یکی از اعضای خانواده‌اش به قتل رسیده و بنابراین همسر مقتول را به عنوان مظنون حادثه بازداشت کردند.

■ اعتراف به قتل شوهر

متهم ابتدا در بازجویی‌ها منکر جرم خود شد اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد به قتل همسرش با همدستی پسر ۱۶ ساله‌اش به نام وحید و پسر ۲۲ ساله‌ای دیگری به نام فرزین اعتراف کرد. وی گفت: چند سالی بود شوهرم معتاد به موادمخدر شده‌بود به همین خاطر همیشه ما را اذیت می‌کرد به طوریکه از دست کارهای او همگی خسته شده بودیم. مدتی قبل پسرم با فرزین دوست شد و پس از آن فرزین به خانه ما رفت و آمد می‌کرد که متوجه اختلاف من و شوهرم شد. ما ابتدا سعی کردیم شوهرم را ترک دهیم اما وقتی موفق نشدیم من و پسرم و فرزین نقشه قتل او را طراحی و اجرا کردیم. شب حادثه شوهرم در خانه بود و من همراه دو دخترم به خانه خواهرم رفتیم. پس از رفتن ما پسرم و فرزین وارد خانه ما شدند و طبق نقشه شوهرم را در خواب به قتل رساندند و جسد او را به بیرون منتقل کردند. با اعتراف متهم، مأموران پلیس وحید و فرزین را به اتهام قتل بازداشت کردند و دو متهم نیز در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کردند.

وحید گفت: پدرم معتاد بود و ما را اذیت می‌کرد که تصمیم گرفتیم با دوستم او را به قتل برسانیم. شب حادثه او را در خواب با چاقو به قتل رساندیم و بعد جسدش را داخل پتویی قرار دادیم و به بیرون منتقل کردیم.

■ رهایی از زندان

در حالی که پدر و مادر مقتول برای عاملان قتل درخواست قصاص داده‌بودند، وحید پس از تحقیقات تکمیلی روانه کانون اصلاح و تربیت شد و دو متهم دیگر هم راهی زندان شدند تا اینکه مدتی بعد فرزین از سوی هیئت قضایی به قصاص و همسر مقتول نیز به جرم معاونت در قتل به ۱۵ سال حبس محکوم شدند. وحید نیز پس از اینکه به سن قانونی رسید دوباره دادگاهی شد و به اتهام قتل پدرش به قصاص محکوم شد، اما چند سال بعد پدر و مادر مقتول، نوه‌شان را بخشیدند و وحید از زندان آزاد شد. از سوی دیگر همسر مقتول هم پس از گذراندن بخشی از دوران محکومیتش از زندان آزاد شد اما فرزین همچنان به جرم قتل در انتظار چوبه دار بود تا اینکه پدر و مادر مقتول فوت کردند و پس از آن وحید همراه یکی از خواهرانش که به سن قانونی رسیده بودند به دادسرای امور جنایی رفتند و به عنوان اولیای دم فرزین را بخشیدند.

■ درخواست دوباره قصاص برای یکی از قاتلان

متهم پس از گرفتن رضایت دو نفر از اولیای دم با گذاشتن وثیقه تا زمانی که دختر کوچک مقتول به سن قانونی برسد و تکلیفش برای همیشه مشخص شود از زندان آزاد شد. چند روز قبل دختر کوچک مقتول که به سن قانونی رسیده است به دادسرای امور جنایی رفت و پس از واریز تفاضل دیه به حساب قوه قضائیه برای فرزین درخواست قصاص کرد. بدین ترتیب مأموران پلیس به دستور قاضی اجرای احکام دادسرا فرزین را که الان ازدواج کرده و فرزندار شده‌است بازداشت و روانه زندان کردند.

۳ کشته در آتش‌افروزی خانه عمه

مردی که با آتش زدن خانه عمه‌اش در شهرستان کرمان سه‌نفر از اعضای خانواده وی را به کام مرگ کشانده‌است، بازداشت شد.

دادخدا سالاری، دادستان عمومی و انقلاب کرمان به میزان گفت: پس از اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ درباره آتش‌سوزی یک واحد مسکونی و مرگ سه نفر در این حادثه مأموران دایره مبارزه با قتل و جنایی پلیس آگاهی و بازپرس شعبه ۸ دادسرای کرمان در محل حادثه حاضر شدند. بررسی‌ها بعد از خاموش شدن شعله‌های آتش نشان داد که سه عضو این خانواده به علت شدت سوختگی جان باختند و یک نفر هم مجروح شده بود که به بیمارستان منتقل شد. دادستان کرمان گفت: در بررسی‌های بعد مشخص شد که حادثه آتش‌سوزی عمدی ایجاد شده است. پس از آن بود که تحقیقات برای بازداشت فرد آتش افروز به جریان افتاد. خیلی زود تحقیقات نشان داد که عامل حادثه برادرزاده خانواده است که از مدتی قبل به خاطر ارثیه با عمه‌اش اختلاف داشته است که پنج ساعت پس از حادثه بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد.

دادستان کرمان گفت که تحقیقات بیشتر در این باره ادامه دارد.

استخدام زوج‌های جوان برای فروش طلای تقلبی

مجرم سابقه‌داری که پس از ساخت طلاهای تقلبی زوج‌های جوان را برای فروش آن استخدام می‌کرد به دام پلیس افتاد.

به گزارش جوان، اوایل اردیبهشت‌امسال مرد طلافروشی در تهران به اداره پلیس رفت و از زن و شوهر جوانی به اتهام فروش طلای تقلبی شکایت کرد.

شاکی گفت: مغازه طلافروشی‌ام حوالی خیابان فلاح در جنوب تهران است. چند روز قبل زوج جوانی به مغازه‌ام آمدند و گردنبند طلایی را روی پیشخوان قرار دادند و مدعی شدند به خاطر مشکلات مالی قصد دارند گردنبند را بفروشند. گردنبند را محک زدم که نشان می‌داد طلا است و بعد هم به قیمت ۱۰ میلیون تومان از آنها خریدم. وی ادامه داد: چند روز قبل گردنبند را همراه مقدار دیگری طلای مستعمل برای آب کردن به کارگاه بردم که متوجه شدم گردنبند طلای تقلبی است و فقط روکشی از طلا دارد و الان به اداره پلیس آمدم تا از آن زن و شوهر به اتهام کلاهبرداری شکایت کنم.

■ دستگیری یکی از متهمان

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت مأموران پلیس با خبر شدند شاکی یکی از متهمان را هنگام فروش طلای تقلبی با کمک طلافروش دیگری به دام انداخته است.

شاکی پس از تحویل متهم به مأموران پلیس گفت: پس از اینکه زوج جوان از من کلاهبرداری کردند به تمامی دوستان طلافروشی هم موضوع و شیوه کلاهبرداری را گفتم و از آنها خواستم اگر با چنین موضوعی روبه‌رو شدند به من خبر بدهند. ساعتی قبل یکی از دوستان طلافروشی‌ام با من تماس گرفت و گفت زن و شوهری به مغازه‌اش آمده‌اند و قصد دارند طلای مستعملی را بفروشند که احتمال می‌دهد قطعه طلای آنها تقلبی باشد.

او از من خواست به مغازه‌اش بروم و این زن و شوهر را از نزدیک ببینم که خیلی سریع به مغازه‌اش رفتم که دیدم آن زن و شوهر که از من کلاهبرداری کردند، نیستند اما به آنها مشکوک شدم و آنها را تعقیب کردم. زن شوهر جوان کمی آنطرفتر سوار خودروی پژو پرشیایی شدند که همان زن و شوهر کلاهبردار داخل آن نشسته بودند. سپس با کمک دوستانم راه خودرو را سد کردیم که با هم درگیر شدیم و در نهایت من موفق شدم کلاهبردار خودم را دستگیر کنم اما همسرش با آن زن و شوهر موفق به فرار شدند.

■ برای فروش طلای تقلبی استخدام شدیم

متهم که شهروز نام دارد پس از انتقال به اداره پلیس به جرم خود اعتراف کرد و گفت: من و همسرم تازه ازدواج کرده بودیم و وضع مالی خوبی نداشتیم تا اینکه با مردی به نام یاشار آشنا شدم. یاشار گفت در کار خرید و فروش طلا است و به صورت اینترنتی طلا خرید و فروش می‌کند و از من خواست همراه همسرم طلاهای مستعملی که او در اختیارمان قرار می‌دهد، بفروشیم. او مرا استخدام کرد و من هم طلاهای مستعمل او را می‌فروختم که بعد فهمیدم همه طلاها تقلبی است و یاشار به غیر از من و همسرم تعداد زن و شوهر دیگری که دنبال کار بودند استخدام کرده و آنها هم برای او طلای تقلبی می‌فروشند. پس از این او به من و همسرم سهم بیشتری می‌داد و ما هم همچنان برایش طلای تقلبی می‌فروختیم و امروز هم همراه زن و شوهری که تازه استخدام شده‌بودند برای فروش طلای تقلبی به این طلافروشی آمدیم که من دستگیر شدم اما همسرم همراه آنها فرار کرد. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد یاشار متهم سابقه داری است که قبل از این چند باری به جرم‌های کلاهبرداری، جعل و غیره دستگیر و روانه زندان شده است. بدین ترتیب مأموران پلیس پس از دستگیری همسر شهروز مخفیگاه یاشار را در حوالی شرق تهران شناسایی و وی را دستگیر کردند.

همسر شهروز در بازجویی‌ها اعترافات شوهرش را تأیید کرد و گفت از سوی یاشار برای فروش طلاهای تقلبی استخدام شده بودند.

■ اعتراف متهم سابقه دار

یاشار هم در بازجویی‌ها با اعتراف به کلاهبرداری‌های سریالی در پوشش فروش طلای تقلبی گفت: چندسال قبل به جرم کلاهبرداری روانه زندان شدم تا اینکه اواخر تابستان سال قبل از زندان آزاد شدم. مهرماه سال قبل بود که با مرد طلاسازی در حوالی بازار تهران آشنا شدم که قرار شد او طلای تقلبی با روکش طلا بسازد و من هم به طلافروشان بفروشم. پس از این در فضای مجازی آگهی استخدام فروشنده دادم و تعدادی زن و شوهر جوانی که جویای کار بودند برای فروش طلا استخدام کردم.

بدین ترتیب هر چند وقت یک بار زن و شوهری را که نیاز شدیدی به پول داشتند با حقوق زیادی استخدام می‌کردم و به آنها می‌گفتم که طلاها تقلبی است اما قابل تشخیص نیست و آنها هم چون دستمزد زیادی می‌گرفتند قبول می‌کردند و طلاهای که در اختیارشان قرار می‌دادم در طلافروشی‌ها می‌فروختند. وی ادامه داد: فروشنده‌های من معمولاً در همه مناطق و محله‌های تهران طلاهای تقلبی را می‌فروختند و پس از مدتی هم با آنها تسویه حساب می‌کردم که شناسایی نشوند.

در حالی که تحقیقات از متهمان دستگیر شده ادامه دارد، کارآگاهان در تلاشند که مرد طلاساز و دیگر متهمان را شناسایی و دستگیر کنند.

درخواست قصاص برای عاملان قتل در بزم شبانه

سه مرد جوان که بعد از پایان بزم شبانه در جریان درگیری مرتکب قتل شده‌بودند با درخواست قصاص از سوی اولیای‌دم مواجه شدند.

به گزارش جوان، ۱۷ اردیبهشت‌سال ۹۵ قتل پسر جوانی به مأموران پلیس رودهن گزارش شد. با حضور مأموران در محل، آنها با جسد داوود ۲۵ ساله روبه‌رو شدند که با ضربات متعدد چاقو و قمه کشته شده‌بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، برادر داوود که در محل حضور داشت در توضیح به مأموران گفت: «امشب تولد یکی از دوستان برادرم در باغی در رودهن بود. برادرم با مرد جوانی به نام ناصر اختلاف داشت به همین دلیل امشب بعد از تمام شدن جشن در راه برگشت بودیم که برادرم با ناصر و دو نفر از دوستانش به نام‌های سعید و بهمن درگیر شد و آنها با چاقو و قمه برادرم را کشتند.»

با این توضیحات ناصر و دوستانش دستگیر شدند اما جرمشان را انکار کردند و گفتند نمی‌دانند چه کسی داوود را به قتل رسانده است.

با انکار متهمان اما بنا به شواهد و قرائن موجود سه مرد جوان به اتهام مباشرت در قتل و نزاع دسته‌جمعی روانه زندان شدند و پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. صبح دیروز هر سه متهم در شعبه دهم به ریاست قاضی متین راسخ محاکمه شدند. ابتدای جلسه، اولیای‌دم درخواست قصاص کردند. در ادامه سعید که از زندان اعزام شده‌بود در جایگاه ایستاد و گفت: «یکی از دوستان ما به نام سیاوش سازنده موادمخدر بود.

او در رودهن باغی داشت و شب حادثه همه بچه‌های محل و دوستانش را برای جشن تولدش به آن باغ دعوت کرده بود. در آن مراسم مقتول به بهمن که از دوستانم بود فحاشی کرد. به هواخواهی از دوستم به او یک سیلی زدم. این تمام شد و بعد از اتمام جشن همراه ناصر و بهمن سوار خودروی پراید شدیم و از باغ بیرون آمدیم. در مسیر دوباره مقتول و برادرش را دیدیم که دوباره ناسزا گفتند و سد راه ما شدند.»

متهم ادامه داد: «آنها با قمه از ماشین پیاده شدند و شروع به عربده‌کشی کردند. همین باعث درگیری شد، اما متوجه نشدم چه کسی به او ضربه زد.» سپس بهمن که با قرار وثیقه آزاد بود در جایگاه قرار گرفت. او هم جرمش را انکار کرد و گفت: «آن شب قصد رفتن به جشن را نداشتم. دنبال ناصر رفته بودم که از من خواست دنبال همسر صیغه‌ای او برویم. قبول کردم سپس از من خواست با خودروام آنها را به باغی در رودهن ببرم. با اصرار ناصر به آنجا رفتم. آن شب همه مشروب خورده بودند و در حال خودشان نبودند. می‌خواستم مهمانی را ترک کنم اما آنها مانع شدند. بعد از پایان جشن این حادثه اتفاق افتاد و من در آن درگیری از خودم دفاع می‌کردم و پشتم به مقتول بود. نفهمیدم چه کسی او را کشت.»

به دستور ریاست دادگاه ناصر در جایگاه ایستاد. او نیز با قرار وثیقه آزاد بود و با انکار جرمش گفت: «من و مقتول هیچ اختلافی نداشتیم. آن شب او به ما توهین کرد و خیلی اتفاقی همزمان با هم از باغ بیرون آمدیم که مقتول سد راه ما شد. او و برادرش از ماشین پیاده شدند و مقتول گفت «با آدم‌های ناجوری به مهمانی آمده‌ای!» بعد از این حرف با قمه به بینی و دستم ضربه زد. بینی‌ام خیلی عمیق بریده شد و تاندوم سه انگشتم نیز قطع شد. آنجا بود که از عصبانیت قمه را برداشتم و به طرف مقتول رفتم و فقط یک ضربه به پای او زدم. باور کنید ندیدم چه کسی ضربات را به او زد.»

با پایان دفاعیات سه متهم، هیئت قضایی دستور بازداشت سعید و بهمن را صادر کرد تا بعد از تحقیقات تکمیلی رأی پرونده را صادر کنند.

گرفتن اثر انگشت پس از قتل مرد پولدار

دو مرد فریبکار که برای تصاحب اموال مردی پولدار، وی را به قتل رسانده و از جسدش اثر انگشت گرفته بودند بازداشت شدند.

چندی قبل مردی به مأموران پلیس آگاهی سنندج خبر داد که برادرش گم شده است. او گفت: برادرم مردی ۴۲ ساله است و هنوز ازدواج نکرده‌است. وضع مالی خیلی خوبی دارد و امروز مثل همیشه راهی محل کارش شد، اما دیگر به خانه برنگشت و گوشی تلفن همراهش هم خاموش است. شاکی گفت: از آنجا که برادرم وضع مالی خوبی دارد احتمالاً ربوده شده است که در خواست کمک دارم.

بعد از مطرح شدن شکایت تحقیقات مأموران پلیس آگاهی برای یافتن مرد گمشده به جریان افتاد. مأموران پلیس در جریان تحقیقات خود به یکی از دوستان وی مظنون شده و او را بازداشت کردند. مردجوان گفت که از ماجرای گمشدن دوستش خبری ندارد. او اما در تحقیقات فنی به قتل وی با همدستی یکی از دوستانش اعتراف کرد. متهم گفت: مقتول وضع مالی خیلی خوبی داشت و وسوسه شدم که بخشی از اموالش را تصاحب کنم. ماجرا را با یکی از دوستانم در میان گذاشتم که او هم موافقت کرد.

بعد از آن مقتول را به یکی از روستاها کشانده و با آبمیوه مسموم بیهوش کردیم و سپس به قتل رساندیم. بعد اثر انگشت او را در اوراقی که از قبل تهیه کرده‌بودیم ثبت کردیم تا اموال او را به نام خودمان منتقل کنیم که بازداشت شدیم.

متهم در توضیح سرنوشت جسد هم گفت: بعد از قتل جسد را کنار رودخانه‌ای دفن کرده و به خانه رفتیم.

سرهنگ عبدالله فاتحی، رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی کردستان گفت: با اعتراف متهم همدست وی هم بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد. وی گفت: تحقیقات بیشتر از متهمان در جریان است.

درخواست گذشت از قتل داماد

پرونده مرد محکوم به مرگ که از ۱۱ سال قبل به اتهام قتل دامادشان در بازداشت به سر می‌برد روز گذشته دوباره ورق خورد. متهم گفت از کاری که کرده پشیمان است و از اولیای دم درخواست گذشت دارد.

به گزارش جوان، ۲۶ اردیبهشت‌سال ۸۸ اعضای خانواده مردی میانسال در شهرستان ورامین گم شدن او را به پلیس خبر دادند. با اعلام این شکایت، مأموران پلیس در تحقیقات دریافتند یونس ۴۵ ساله آخرین بار به دیدن برادرزنش رفته اما دیگر به خانه بازنگشته است. به این ترتیب برادرزن وی به نام هادی ۳۳ ساله به عنوان اولین مظنون بازداشت شد. او در همان مراحل اولیه تحقیقات به قتل دامادشان به خاطر اختلاف مالی اعتراف کرد. او در شرح ماجرا گفت: «تأسیساتی بودم و یونس راننده ماشین سنگین بود. ما با هم مبلغی پول به یکی از دوستانمان داده بودیم تا با آن کار کند و سودش را به ما بدهد اما یونس سود پول را از آن مرد می‌گرفت و به من نمی‌داد. هر بار با او صحبت می‌کردم طفره می‌رفت تا اینکه آخرین بار وقتی سر این موضوع باهم درگیر شدیم با مشت به سرش کوبیدم و او بیهوش شد و از نفس افتاد. ترسیده بودم به همین خاطر جسد او را در حمام دفن کردم و رویش را با سیمان پوشاندم اما چند روز بعد بوی تعفن در حمام پیچیده بود به همین دلیل به ناچار جسد را به حاشیه ورامین بردم و آتش زدم.»

با اقرارهای متهم، مأموران به محل رفتند و با بقایای جسد روبه‌رو شدند که با انتقال به پزشکی قانونی اما علت مرگ به دلیل سوختگی شدید مشخص نشد.

متهم بعد از بازسازی صحنه روانه زندان شد و پرونده در اولین جلسه رسیدگی در شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران روی میز هیئت قضایی قرار گرفت. در آن جلسه فرزند بزرگ مقتول اعلام گذشت کرد اما با فوت پدر و مادر مقتول خواهران و برادران وی درخواست قصاص کردند. در پایان هادی به قصاص محکوم شد و با تأیید این حکم در دیوان عالی کشور متهم به دلیل عدم پرداخت سهم دیه از سوی اولیای‌دم و انجام نشدن حکم با نوشتن نامه‌ای درخواست تعیین تکلیفی کرد.

به این ترتیب پرونده بعد از گذشت ۱۱ سال صبح دیروز روی میز هیئت قضایی شعبه دوم به ریاست قاضی زالی قرار گرفت. ابتدای جلسه یکی از برادران مقتول که در جلسه حضور داشت گفت: «یکی از برادرزاده‌هایم به تازگی ازدواج کرده و رضایت داده است اما من و دیگر خواهران و برادرانم درخواست قصاص داریم.» سپس متهم در جایگاه ایستاد و گفت: «۱۱ سال است که در زندان هستم. وقتی فرزندم به دنیا آمد بازداشت شدم و بزرگ شدن فرزندم را ندیدم. از این وضعیت خسته شده‌ام. از قضات درخواست دارم با آزادی‌ام موافقت کنند تا بتوانم رضایت دیگر اولیای‌دم را جلب کنم. باور کنید پشیمانم و حالا در زندان قرآن تدریس می‌کنم تا گناهانم بخشیده شود.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

آتش گرفتن خانه در نبود صاحبخانه

خانه مسکونی در خیابان سعیدآباد تهران در نبود صاحبخانه در آتش سوخت.

به گزارش جوان، ساعت ۱۱ روز گذشته آتش نشانان ایستگاه ۶۲، از حادثه آتش سوزی در خانه‌ای مسکونی در خیابان خیابان سعیدآباد حوالی شادآباد با خبر و در محل حاضر شدند. عباس سرافرازی، رئیس ایستگاه در توضیح حادثه گفت: محل حادثه یک ساختمان مسکونی قدیمی دو طبقه بود که در نبود صاحبخانه به علت نامشخصی آتش گرفته بود و شعله‌های آتش از محل زبانه می‌کشید. وی ادامه داد: امدادگران خود را به طبقه دوم خانه رسانده و متوجه شدند که آتش از قسمت انتهایی آشپزخانه شروع شده است که کانون آتش را مهار و از سرایت آن به بخش‌های دیگر جلوگیری کردند.

آگهی مفقودی

برگ سبز و کارت شناسایی خودرو سواری هاچ بک تیپ MT کوییک مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید و شماره پلاک ایران ۳۰ - ۱۸۶ د ۴۷ به شماره موتور M15/8915094 و شماره شاسی NA-S841100L1049599 متعلق به آقای محمود حقیقی با کدملی ۰۹۴۱۲۰۰۳۶۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. البرز

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۵ GLX0XU7 مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۸۳- ۸۱۴ ج ۲۲ به شماره موتور 124K0348685 و شماره شاسی NAAM01CAVER متعلق به آقای جاسم آزمند فرزند محمد با کدملی ۵۵۴۰۰۱۵۳۶۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز

آگهی مفقودی

سند کامیون کشنده هوو مدل ۱۳۸۹ به رنگ قرمز به شماره پلاک ایران ۸۳- ۶۴۷ ع ۲۲ به شماره موتور WD61596C100707025177 و شماره شاسی NAB374505AA00044 متعلق به آقای صالح رنجبر فرزند امان اله با کدملی ۲۴۹۱۳۲۴۵۶۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو پژو تیپ ۴۰۵ GLI مدل ۱۳۸۴ به رنگ عنابی روغنی و شماره پلاک ایران ۹۹- ۸۱۸ ص ۸۸ به شماره موتور ۱۲۴۸۴۰۹۰۹۸۲ و شماره شاسی ۱۶۲۱۲۶۹۷ متعلق به آقای مسعود منصوری با کدملی ۲۴۱۰۶۳۷۲۹۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. البرز

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ایران ۷۳- ۹۶۸ د ۷۷ به شماره موتور ۲۳۰۱۴۸۳ و شماره شاسی S1412287437193 متعلق به خانم زهرا علی خواه با کدملی ۲۴۹۰۶۵۵۰۴۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری تیبا هاچ بک تیپ ۲ مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید - روغنی به شماره پلاک ایران ۲۲- ۹۵۴ و ۱۵ به شماره موتور M15/8493038 و شماره شاسی NAS821100H1121455 متعلق خانم ساناز نصیری دهقان با کدملی ۰۰۵۸۳۲۵۹۵۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. تهران